روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۹۹۷ | شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳ | ۲۶ رمضان ۱۴۴۵ | اذان ظهر: ۱۲:۰۷ |
غروب آفتاب: ۱۸:۳۰ | اذان مغرب: ۱۸:۴۹ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۴ | اذان صبح فردا: ۰۴:۱۶ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۴۲ |

دیده‌بان

در بنیاد روایت فتح ساخته شد

مستند پرتره «احمد جبرئیل» در پایان تولید

مستند پرتره یکی از برجسته‌ترین چهره‌های مبارز فلسطینی در بنیاد فرهنگی روایت فتح مراحل پایانی تولید را سپری می‌کند.

به گزارش جوان از روابط عمومی بنیاد فرهنگی روایت فتح، مستند زندگی پرفراز و نشیب احمد جبرئیل، دبیر کل فقید جبهه خلق برای آزادی فلسطین با عنوان «ابوجهاد، پدر جهاد» بر اساس مصاحبه‌ای اختصاصی با وی، توسط بنیاد فرهنگی روایت فتح تولید شده است.

احمد جبرئیل، دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین، هم‌پیمان راهبردی ایران و سوریه، عضو بیشتر ائتلاف‌های فلسطینی و مخالف رویکرد سازش و مذاکره با رژیم صهیونیستی بود. وی از نظر رژیم صهیونیستی یکی از سرسخت‌ترین دشمنان به شمار می‌آمده و به همین دلیل نیز بارها برای ربودن و ترور وی تلاش شده است. این مستند پرتره به همت گروه مستند بنیاد فرهنگی روایت فتح تهیه شده است.

آمار رسمی اکران نوروزی اعلام شد

فروش اکران نوروزی سینمای ایران در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۸۶ میلیارد و ۷۱ میلیون تومان با یک میلیون و ۳۲۵ هزار و ۵۶۸ نفر مخاطب رسید.

به گزارش جوان از روابط عمومی مؤسسه سینماشهر، فیلم تمساح خونی تا سه‌شنبه، هفتم فروردین با فروش بیش از ۹ میلیارد و ۵۲۶ میلیون تومان و ۱۴۵ هزار و ۱۶۴ نفر بیشترین فروش و بیشترین مخاطب را در ایام نوروز داشته است.

اکران فیلم سینمایی «تمساح خونی» از ۱۶ اسفند ۱۴۰۲ آغاز شد و تا ۱۳ فروردین به فروش ۶۵ میلیارد و ۹۰۶ میلیون تومان رسید. همچنین اکران فیلم‌های سینمایی «بی‌بدن»، «آپاراتچی»، «نوروز» و «آسمان غرب» از ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ آغاز شد که از این تاریخ تا ۱۳ فروردین «بی‌بدن» به فروش بیش از ۱۰ میلیارد و ۴۸۵ میلیون تومان، «آپاراتچی» به فروش بیش از ۲ میلیارد و ۶۵۳ میلیون تومان، «نوروز» به فروش بیش از یک میلیارد و ۸۲۶ میلیون تومان و «آسمان غرب» به فروش بیش از ۹۵۷ میلیون تومان رسیدند. اکران فیلم‌های سینمایی «پرویزخان» و «ایلیا جست‌وجوی قهرمان» نیز از ۲۱ و ۲۲ اسفند آغاز شد و تا تاریخ ۱۳ فروردین «پرویزخان» به فروش بیش از ۲ میلیارد و ۶۹۶ میلیون تومان و «ایلیا جست‌وجوی قهرمان» به فروش بیش از یک میلیارد و ۵۴۴ میلیون تومان رسید.

لازم به ذکر است، رقم درست فروش اکران نوروزی از زمان روی پرده رفتن فیلم‌های مختص این ایام محاسبه می‌شود و رقم تفکیکی فروش سینمای ایران در ۱۳ روز ایام عید (اول تا ۱۳ فروردین) نیز به ۶۱ میلیارد و ۳۷۷ میلیون تومان رسید.

تنبورنواز برجسته ایران درگذشت

یکی از بازماندگان و صاحبان الحان قدیمی حوزه موسیقی مقامی و تنبورنوازی در سن ۸۰ سالگی دار فانی را وداع گفت.

درویش چنگیز عبدی‌پور، تنبورنواز و کلام‌خوان برجسته موسیقی مقامی، پنج‌شنبه ۱۶ فروردین در منطقه کرند غرب درگذشت. این هنرمند ۸۰ ساله از بازماندگان صاحب الحان قدیم در حوزه موسیقی مقامی و تنبور و کلام بود. مرحوم عبدی‌پور، شاگرد باباغلام همت‌آبادی از صاحبان لحن و مرجع تنبور و کلان به‌شمار می‌آمد. مراسم خاکسپاری این هنرمند دیروز جمعه ۱۷ فروردین ۱۴۰۳ از مقابل منزلش واقع در باغ نادر به طرف مزارستان شورا برگزار شد.

خبر

روایت غزه با فیلم کوتاه «شورشی»

زاویه نگاهی بهتر از مظلومیت نیست

برای اقناع افکار عمومی در حوزه مقاومت، زاویه نگاهی بهتر از نشان دادن مظلومیت وجود ندارد.

علی سلمانی، کارگردان این فیلم کوتاه شورشی که به دلیل سوژه خاص آن و همزمانی‌اش با عملیات طوفان‌الاقصی بسیار دیده‌شد و واکنش‌های مختلفی را از سوی افراد مختلف به همراه داشت، می‌گوید: برای اینکه انسان‌ها درباره موضوع فلسطین دغدغه داشته باشند، لازم نیست عرب یا مسلمان باشند یا حتی از لحاظ ایدئولوژی به جمهوری اسلامی و حماس نزدیک باشند؛ فقط کافی است حجم ویرانی‌ای که در فلسطین اتفاق افتاده را ببینند تا خواه‌ناخواه ابعاد فطری و انسانی‌شان برانگیخته شود.

سلمانی درباره زاویه نگاه خود در فیلم «شورشی» گفت: به نظر من برای اقناع افکار عمومی در حوزه مقاومت، زاویه نگاهی بهتر از نشان دادن مظلومیت وجود ندارد. یعنی اگر مانور خبری، رسانه‌ای و روایی یک فیلم، ترسیم کردن مظلومیت باشد، می‌تواند افکار عمومی را تحت‌تأثیر قرار دهد. ساخت این فیلم کوتاه به دلیل سوژه خاص آن با سختی‌هایی همراه بوده‌است.

سلمانی در این زمینه می‌گوید: پیش تولید این اثر حدود ۹ ماه طول کشید. دلیل این طولانی‌شدن این بود که اولاً باید محلی را پیدا می‌کردیم که حداقل تشابه اندکی به محله‌های فلسطین داشته‌باشد و به همین دلیل بعد از جست‌وجوهای فراوان، روستایی در مشهد (روستای اسلام‌آباد) را انتخاب کردیم. همچنین باید لباسی شبیه به لباس سربازان اسرائیلی را آماده می‌کردیم. همین دو موضوع زمان زیادی از ما گرفت.

لهجه عربی بازیگران فیلم یکی از نقاط قوت آن به شمار می‌رود. به گفته کارگردان اثر، بازیگران این فیلم کوتاه برای یادگیری زبان عربی و عبری مشاورانی داشته‌اند و تمرینات زیادی را پشت سر گذاشتند. فیلم کوتاه «شورشی» توانست جایزه شاخه زیتون جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران را از آن خود کند. این فیلم کوتاه همزمان با عملیات طوفان‌الاقصی از تلویزیون نیز پخش شد و در فضای مجازی (اینستاگرام) نیز واکنش‌های زیادی را به همراه داشت. سلمانی درباره بازتاب‌های نمایش این اثر گفت: هدف اصلی فیلمساز از ساخت یک فیلم این است که مخاطب اثرش را ببینید و تأثیری از آن بپذیرد، یعنی اکران جشنواره‌ها و تعریف منتقدان اولویت بعدی فیلمساز محسوب می‌شود. فیلم کوتاه «شورشی» کاری از علی سلمانی و تهیه‌کنندگی انجمن سینمای جوانان ایران (دفتر مشهد)، هاشم مسعودی و مجتبی احسانی است.

نگاهی به سریال «هفت سر اژدها» در گفت‌وگوی «جوان» با جبار آذین منتقد سینما و تلویزیون

سرکشی «هفت سر اژدها» از ۷ پرونده کلان فساد

■ مصطفی شاه کرمی

سریال «هفت‌سر اژدها» به کارگردانی ابوالقاسم طالبی با محوریت هفت پرونده کلان فساد اقتصادی کشور، از جمله تازه‌ترین تولیدات تلویزیون در پرداختن به موضوعات پلیسی امنیتی محسوب می‌شود. در چند سال اخیر شاهد تولید و پخش نمونه‌های موفق گونه پلیسی معمایی در تلویزیون بوده‌ایم که «گاندو ۱و۲» نقطه عطفی در این ژانر است. «خانه امن»، «بازپرس» و «محرمانه» نیز آثار متوسطی بودند که در تلویزیون ساخته و پخش شدند. تازه‌ترین اثر طالبی تا حالا با انتقادات و تمجیدهایی در زمینه بازیگری، نگارش فیلمنامه و نحوه ارائه محتوای پرونده‌های فساد مواجه بوده‌است، به همین بهانه «جوان» در گفت و گو با جبار آذین منتقد شناخته‌شده سینما و تلویزیون به این اثر پرداخته‌است.

■■■

تا کنون شاهد پخش حدود ۲۰ قسمت از سریال «هفت سر اژدها» به کارگردانی ابوالقاسم طالبی در شبکه ۳ سیما بودیم، ارزیابی شما به عنوان یک منتقد از قسمت‌های پخش شده این سریال چیست؟

معتقدم یکی از آثار بسیار موفق تلویزیون که ابعادی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی را دربر می‌گیرد، همین مجموعه «هفت سر اژدها» به کارگردانی آقای طالبی است. این سریال با موضوع هفت پرونده مفسدان اقتصادی و بررسی پیدا و پنهان رخدادهایی که بعضی جریان‌ها و افراد وابسته و غیروابسته در اقتصاد رقم می‌زنند، ساخته شده‌است. طالبی با استخراج و اقتباس از این پرونده‌ها با نگارش متنی قوی و شخصیت‌پردازی‌های باورپذیر و کارگردانی قابل‌قبول سریالی درخور در معرض تماشا و قضاوت مردم قرار داده‌است. در واقع «هفت سر اژدها» در زمینه کار تحقیقاتی موفق ظاهر شده و خیلی خوب نوشته، اجرا و کارگردانی شده‌است و حرف‌هایی که در این سریال عنوان می‌شوند، چیزهایی هستند که پیش‌تر بخش‌هایی از آنها به گوش جامعه رسیده‌بود، اما وقتی به این شکل و با استفاده از نگاه هنرمندانه و توجه به ابعاد مختلف به تصویر می‌نشینند، قطعاً به شکلی تأثیرگذارتر اقدام به روشنگری افکار عمومی جامعه می‌کند. به عقیده من این سریال کار موفقی است که در کارنامه آقای طالبی و همچنین پرونده سریال‌های پلیسی امنیتی تلویزیون نمره بالایی را به خودش اختصاص می‌دهد.

در گذشته هم شاهد پخش آثار مشابهی از این کارگردان مانند سریال «به کجا چنین شتابان» با محوریت موضوعاتی نظیر پولشویی و فساد اقتصادی بودیم، به نظر شما سریال «هفت سر اژدها» را می‌توان کاری رو به جلوتر از آثار قبلی او ارزیابی کرد؟

«هفت سر اژدها» چند گام جلوتر از آثار قبلی این هنرمند است؛ چه به لحاظ مضمون و محتوا و چه از نظر کارگردانی. در واقع آنچه در این سریال تصویرسازی شده و پیش از آن به نگارش درآمده از قوت فراوان دراماتیک و نمایشی برخوردار است که نشان می‌دهد طالبی در مسیر هنرآفرینی گام‌های رو به جلویی برداشته‌است. به همین دلیل است که چنانچه در آثار آقای طالبی با مواردی روبه‌رو می‌شدیم صرفاً از یک زاویه خاص به بعضی مسائل توجه می‌شد یا برخی از شخصیت‌ها دارای پردازش کامل و مقبولی نبودند، اما در این سریال شخصیت‌ها دارای ابعاد مختلفی هستند که نشان می‌دهد به آنها توجه شده‌است و نه‌تنها در نگارش فیلمنامه و شخصیت‌پردازی کاراکترها بلکه در تصویرسازی هم به نمایش درآمده که اینها نشان‌دهنده توجه به دیدگاه‌ها و نظرها و سلیقه مخاطب است. این کار دقیقاً یعنی روشنگری و آگاهی‌بخشی اجتماعی که «هفت سر اژدها» به خوبی آن را به مخاطب منتقل می‌کند. حالا در این مسیر جدای از مضمون خوب، استفاده درست و مناسب از ابزار هنری در بازی‌های خوب طراحی صحنه و تصویرسازی‌های مقبول و قاب‌بندی حرفه‌ای قابل مشاهده است. البته پیش‌تر و قبل از آقای طالبی هنرمندان دیگری هم آثار پلیسی و امنیتی ساخته‌اند که همچنان یکی از برترین‌های آنها سریال «گاندو» است. من فکر می‌کنم این سریال «هفت سر اژدها» هم می‌تواند در همان اندازه مورد ارزیابی و توجه قرار بگیرد و به عنوان یک اثر موفق تلویزیونی در یادها و خاطره‌ها ماندگار شود.

«هفت سر اژدها» در زمینه کار تحقیقاتی و کارگردانی موفق ظاهر شده و حرف‌هایی که در این سریال عنوان می‌شوند، چیزهایی هستند که پیش‌تر بخش‌هایی از آنها به گوش جامعه رسیده‌بود

از وجوه برجسته آثار امنیتی پلیسی نمایش حرفه‌ای تضادها و کنتراست شخصیتی کاراکترهاست که کارگردان و نویسنده یک اثر باید آنها را به خوبی نشان بدهند تا ضمن بالا بردن جذابیت کار برای مخاطب از لو رفتن ادامه داستان جلوگیری شود. آیا فکر می‌کنید این مسئله در مورد سریال «هفت سر اژدها» هم اتفاق افتاده‌است؟

به خاطر همین اشاره کردم که شخصیت‌پردازی در سریال «هفت سر اژدها» در مقایسه با آثار قبلی طالبی کامل‌تر است. از ضعف‌های اساسی آثار هنری در کشور ما و حتی در برخی کشورهای جهان ضعف پردازش شخصیت است چه به عنوان یک شخصیت خیر و چه در قالب یک شخصیت شرور. معمولاً حرکت در این مسیر باید در حد میانه یا به اصطلاح پردازش شخصیت خاکستری باشد، یعنی انسان‌ها خاکستری تصویر بشوند و اینکه به کدام سمت اعم از خیر یا شر می‌روند، باید با منطق و نمایش واقعیت‌ها و رویدادها در آثار هنری بیان بشوند. متأسفانه ما این موضوع را در اکثر کارهای سینمایی و تلویزیونی نمی‌بینیم. یعنی در واقع یا آدم‌ها فقط بخش‌هایی از ابعاد وجودی‌شان به نمایش در می‌آید یا به شکلی غلو شده و به اصطلاح شر مطلق نمایش داده می‌شوند یا خیر محض! در سریال «هفت سر اژدها» آدم‌ها ضمن اینکه از مسیر خاکستری حرکت می‌کنند، اما سمت و سوی حرکت آنها به جبهه‌های خیر و شر به درستی و آگاهانه شکل گرفته‌است. از همین منظر است که عنوان می‌شود طالبی نسبت به کارهای پیشین خود چند گام به جلوتر برداشته است و حتی این سریال در مقایسه با برخی آثار تلویزیونی پلیسی امنیتی موفق‌تر ظاهر شده و خودش را به مخاطبان عرضه کرده‌است. ما در این سریال هم نیروهای خیر و شر را می‌بینیم و هم ابعاد وجودی شخصیت‌هایی که در پیدا و پنهان خودشان هر دو وجه خیر و شر را دارند. چیزی که همیشه از نگاه بسیاری از هنرمندان ما مغفول مانده نگاه درست به کاراکتر انسان است. انسان ترکیبی از ظاهر و باطن یا روح و جسم است ما در آثار هنری بیشتر توجه به جسم را می‌بینیم، اما ابعاد روحانی انسان‌ها را نمی‌بینیم، اما در این سریال سعی شده‌است که این بعد مهم انسان‌ها هم مورد توجه قرار بگیرد و ما در خلوت وجودی انسان‌ها با اژدهای درون آنها همسو و با اژدهای برون آنها آشنا شویم. در هر حال هنوز این اژدها سرهای زیادی دارد که امیدواریم هنرهای نمایشی بتواند به طرزی ماهرانه ابعاد آن را ناظر بر اصلاح جامعه در معرض دید مخاطب قرار دهد.

از شاخصه‌های سریال «هفت سر اژدها» در مقایسه با دیگر آثار مشابه تلویزیونی این است که در این سریال از بازیگران تئاتری و کمتر شناخته‌شده استفاده شده‌است. برخی این مسئله را نقطه ضعف سریال می‌دانند و برخی دیگر آن را به عنوان اقدامی مثبت در زمینه ایجاد فرصت برای بازیگران تازه‌کار و ناشناخته قلمداد می‌کنند. نظر شما در این مورد چیست؟

به هر حال استفاده از نیروهای مستعد جوان در کنار هنرمندان باتجربه و چگونگی استفاده از این حضور، بستگی به توانایی‌ها و قابلیت‌های سازنده اثر دارد که همان کارگردان است. ابوالقاسم طالبی در این زمینه صاحب تجربه است و در کارهای قبلی هم این مسئله را نشان داده‌است. طالبی هر موقع از بازیگران جوان و کم‌تجربه استفاده می‌کند، سعی دارد آنها را در عرصه بازی به گونه‌ای با هنرمندان حرفه‌ای هم ردیف کند که بازی‌ها اصطلاحاً یک کاسه باشند. در همین سریال هم نمی‌بینیم هنرمندان کم‌سابقه یا کم‌تجربه در مقابل بازیگران حرفه‌ای کم بیاورند، یعنی درست روی بازی‌ها و بازیگران کار شده و آنها هم تلاش کرده‌اند با نفوذ به درون کاراکترها و همچنین پردازش آنها در قالب نقش‌های مورد نظر بازی‌های خوبی ارائه کنند. دلیل اصلی این مسئله این است که کارگردان درست هدایت کرده و نقش به بازیگر درست تفهیم شده و بازی که از این بازیگر جوان گرفته شده نه‌تنها لطمه‌ای به بازیگر مقابل نزده بلکه در جهت یک کاسه شدن بازی‌ها حرکت کرده و اتفاقاً این برای سریال «هفت سر اژدها» و آقای طالبی یک امتیاز تلقی می‌شود.

طی چند سال اخیر تولید آثار پلیسی - امنیتی در تلویزیون با شکل و شمایل جدی و البته جدیدتری در حال پیگیری است، ارزیابی شما در این‌باره چیست؟

در این سریال‌ها به دلیل نوع مضمون و مسائلی که در قالب داستان ارائه می‌شود، جذابیت‌هایی وجود دارد که برای مخاطب مطلوب است، یعنی ممکن است مثلاً برخی رویدادهای جامعه را در سطح خبرهای عمومی در بعضی رسانه‌ها دیده باشد ولی وقتی این خبرها در قالب یک اثر تلویزیونی و به ویژه سریال ساخته می‌شود و پشت و روی یک ماجرا یا خبر از زاویه نگاه هنرمندانه روایت می‌شود موجب پیگیری مستمر این آثار برای مخاطب می‌گردد. این آثار چیزهایی را برای جامعه مطرح می‌کند و از افرادی صحبت می‌کند که نیازمند معرفی بیشتر هستند. پشت‌پرده‌هایی که می‌توانند جذاب باشند. چالش‌هایی که برای پلیس و دستگاه قضا وجود دارد. وقتی ما مثلاً به عنوان نمونه با نیروهای امنیتی، انتظامی و محافظتی روبه‌رو می‌شویم آن چیزی را مشاهده می‌کنیم که در ظاهر برای ما رسانه‌ای شده‌است، اما واقعیت این است که بخش مهمی از این مباحث در پرونده‌های قضایی وجود دارند که جمعی از هنرمندان متعهد ما با هماهنگی قوه قضائیه از این پرونده‌ها مواردی را استخراج می‌کنند و بر اساس آنها سریال‌هایی می‌سازند که به قوت و قدرت آثار پلیسی امنیتی و همچنین ارتباط عمیق‌تر و تأثیرگذارتر رسانه ملی با مردم می‌انجامد. در هر حال رونق تولید آثار اینچنینی در تلویزیون بسیار معقول، مطلوب و در جهت خواست و سلیقه و نظر مردم است و این امیدواری را دامن می‌زند که هنرمندان ما هر چه بیشتر با تکیه بر تعهد و وظایف و رسالت اجتماعی خودشان به تولید اینگونه آثار بپردازند.

حکمت

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم:

مؤمن مانند زنبور عسل است، جز پاک و پاکیزه نمی‌خورد و جز پاک تولید نمی‌کند.

شعب‌الیمان: ج ۵، ص ۵۸، ح ۵۷۶۵

نما | حسین کشتکار

یادمان

مرور حبیب احمدزاده بر «اتوبوس شب»
به بهانه اولین سالگرد درگذشت کیومرث پوراحمد

بچه‌های غزه نیز بعد از جنگ دیگر بچه نیستند!

امروز سالگرد رفتنت است رفیقم کیومرث. می‌خواهم به جای آه و افسوس همیشگی که در جای خود هم درست است، خاطره‌ای از روح هنرمندانه‌ات را مرور کنم.

جمله‌ای در فیلمت اتوبوس شب را به خاطر می‌آورم که از زبان یک بسیجی (مهرداد صدیقیان) بیان می‌شود. او در حال جابه‌جایی ۳۹ اسیر دشمن به پشت جبهه با یک تک اسلحه است. همراهی یک پیرمرد راننده کمی عصبی مزاج (خسرو شکیبایی) را می‌بینیم که این جملات عجیب و ماندگار را بر زبان می‌آورد؛ جملاتی که مدتی نیز بیلبورد بزرگ خیابان‌های تهران هم شد.

«جنگ که شد، بچه بودم، ۱۶ سالم بود، سه روز بعد باز هم ۱۶ سالم بود، ولی دیگه بچه نبودم....» که در اصل داستان ۳۹ و یک اسیر (از کتاب داستان‌های شهر جنگی) بود که بر اساس آن فیلم را ساختی اما در متن اصلی وجود نداشت. موقع نگارش فیلمنامه و سفر به آبادان شبی برایت تعریف کردم و حالا می‌خواهم اینگونه اصل ماجرا را به یادت بیاورم.

دقیقاً روز قبل از ورود دشمن به ذوالفقاری آبادان بود و پس از سقوط خرمشهر بود که توپخانه دشمن به شدت محله ما را در مرکز شهر آبادان بمباران کرد که بر اثر آن تعدادی از زنان و دختران همسایه کوچه‌های بغل شهید و مجروح شدند، از مسجد محله به خانه آمدم با آن سن کم ۱۵، ۱۶ ساله، برای خداحافظی با مادر و پدرم و بقیه خانواده که با آخرین وانت یکی از همسایه‌ها ناگزیر درصدد بیرون رفتن از شهر بودند. هنوز یادم است که یک دستم در جیب شلوار سربازی گشادم بود و دیگری به اسلحه برنویی که شاید با سرنیزه از قدم درازتر می‌شد و حتماً بر لبم لبخند بود. شاید می‌خندیدم و هر لحظه استرس داشتم و به فکر زیر آتش ماندن این آخرین بازماندگان خانواده بودم. اینکه با رفتن اینها به منطقه امن بیرون از آتش و جنگ خلاص می‌شوم. دو خواهرم زودتر با زن عمویم رفته بودند و مادرم مانده‌بود و خاله و دختر عمویی که اصلاً نمی‌خواستند شهر را حتی پس از سقوط خرمشهر رها کنند و بروند، ولی دیگر چاره‌ای نبود و من از اینکه چاره‌ای نبود، خوشحال بودم، همگی با چند همسایه جامانده دیگر در حال سوار شدن به پیکاب آبی از قبل گل‌مالی شده‌بودند تا با این استتار ساده حداقل در راه توسط نیروهای پیاده دشمن دیده نشوند... مادرم قبل از سوار شدن به پشت وانت نگاهی به خانه‌مان و سپس به من کرد و گریه کرد.

از نگاهش می‌دانستم که یعنی تو هم بیا! قدمی عقب رفتم که یعنی من نمی‌آیم و می‌مانم، پدرم در وانت را بست و گفت پسرت مرده، میخواد بمونه مادرم دیگر هیچ نگفت و وانت رفت...

با لبخند به درون خانه رفتم، دیگر هیچ‌کس نمانده‌بود جز اثاثیه، چشمانم چرخی زد، ناگهان اسلحه از دستانم رها شد و با دو زانو فرو افتادم و همینطور شروع کردم با صدای بلند به زار زدن و گریه کردن که تازه معنای تنهایی و بیکسی و رهاشدگی را در یک شهر محاصره شده می‌فهمیدم و شاید هم چون نمی‌فهمیدم چرا گریه می‌کردم آنقدر گریه کردم که فقط دیگر صدای هق‌هقم در می‌آمد بی‌هیچ اشک و رطوبتی... و بعد ناگهان همه چیز تمام شد.... همانطور که ناگهانی آمد، ناگهانی هم همه چیز رفت به دو چشمم دستی کشیده و خشکشان کردم، اسلحه‌ام را برداشتم و از خانه بیرون رفتم، برای همیشه، برای همه آن هشت سال جنگیدن و برنگشتن به آن حبیبی که جاگذاشته بودم.

این را که برایت تعریف کردم
شد همین جملاتی که خودت و از ذهنت نوشتی
..... جنگ که شد، بچه بودم، ۱۶ سالم بود، سه روز بعد
بازهم ۱۶ سالم بود ولی دیگه بچه نبودم....
و بدتر برایت بگویم کیومرث جان
که شاید همین جملات را متأسفانه هزاران بچه امروزه در غزه
هم به کلامی عربی با خود دارند در واقعیت نجوا می‌کنند
درست مثل همان حبیب ۴۰ سال پیش آن روز
چون حبیب هم هنوز برنگشته به آن بچگی به جامانده‌اش
در خانه پدری
همانطور که خودت هم برای همیشه برنمی‌گردی نزدمان
به هر حال کیومرث جان ای همیشه رفیقم روحت شاد.

تئاتر

خروش جهانی برای توقف توحش اسرائیل در یک پرفورمنس

گروه تئاتر «هنر مقدس» همزمان با روز جهانی قدس پرفورمنسی را با مضمون خروش تمام ملت‌ها به سمت مرزهای غزه و حمایت از مردم مظلوم فلسطین تولید کرده که فیلم این اثر در فضای مجازی منتشر می‌شود.

مریم شعبانی، سرپرست گروه «هنر مقدس» که در حوزه تئاتر با حضور و مشارکت بانوان فعال است، درباره جدیدترین پروژه اجرایی این گروه که پرفورمنسی با موضوع حمایت از مردم مظلوم فلسطین و همزمان با روز جهانی قدس در قالب یک کلیپ ۳۰ ثانیه‌ای در فضای مجازی منتشر می‌شود به مهر گفت: «هنر مقدس» گروهی نمایشی است که تمام آثارش تاکنون در حوزه زنان و برای زنان با موضوعات مختلف مذهبی، اجتماعی، تاریخ ایران و تاریخ جهان تولید شده است. شعبانی ادامه داد: این گروه که تلاش کرده تا این لحظه برای رشد و توسعه فردی و اجتماعی زنان آثار خود را تولید کند، به دلیل شرایط پیش‌آمده در غزه و حوادث رخ داده برای زنان و کودکان در بیمارستان‌های غزه، تصمیم گرفت اثری را تولید کند

وی تأکید کرد: تاکنون بیشتر آثاری که درباره غزه و دفاع از مردم مظلوم فلسطین شکل گرفته‌اند، روایتی تاریخی از جنایات رژیم صهیونیستی و ظلمی که بر مردم مظلوم فلسطین شده، هستند. ما مایل بودیم برای اولین بار کاری انجام دهیم که به عنوان هنرمندان پیش‌رو و هنرمندانی که تصمیم گرفته‌اند حرکتی جهانی را ایجاد کنند، خروش تمام ملت‌ها به سمت مرزهای غزه را نمایش دهند. ما در پرفورمنس‌مان این خروش جهانی برای متوقف کردن رژیم صهیونیستی را اعلام می‌کنیم. شعبانی ادامه داد: تلاش‌مان این است اثری واقعی در روند مقابله با رژیم صهیونیستی تولید کنیم تا بتوانیم این رژیم غاصب را متوقف کنیم.

وی درباره ایده شکل‌گیری این پرفورمنس و نحوه اجرا و پخش آن توضیح داد: ایده اولیه ما از یک عکس-نقاشی درباره یک قیام مردمی شکل گرفت. این اثر در ما جرقه تولید یک پرفورمنس در قالب عکس و حرکت را زد. پرفورمنس ما به صورت محیطی و در فضای باز اجرا می‌شود. این پرفورمنس هم در قالب فریم عکس و هم کلیپ ۳۰ ثانیه‌ای تولید و نشر می‌شود.

شعبانی درباره انگیزه خود و گروه «هنر مقدس» از تولید این پرفورمنس تصریح کرد: همیشه هنرمندان در تمام مجامع و تاریخ پیش‌رو بوده‌اند، هنرمندان مردم را یا به قیام یا به صلح دعوت و در کل تاریخ را ثبت می‌کرده‌اند. تلاش‌مان این است که هنرمندان جهان را وارد میدان کنیم و از آنجا که زبان هنر برنده‌تر و قوی‌تر از سلاح‌های نظامی و ارتشی است، هنر می‌تواند در حمایت از مردم مظلوم فلسطین مؤثرتر واقع شود. سرپرست گروه «هنر مقدس» در پایان اظهار کرد: دوست داشتیم این پرفورمنس خیلی مردمی باشد و زیاد تخصصی نباشد.